

قوه قضائیه و توسعه اقتصادی

دکتر محمد قلی یوسفی

ایفا می کنند. هر چقدر که هزینه مبادله بیشتر باشد، توسعه و گسترش بازار دشوارتر و احتمال رشد اقتصادی کمتر خواهد بود. وقتیکه مسئولین نسبت به اقدامات خود، حساب پس ندهند و پاسخگو نباشند و خودشان هزینه تصمیماتشان را نپردازند، هزینه خلاف پایین می آید و ارتکاب به آن آسان می گردد و اقتصاد به بهشت خلافاکاران تبدیل می شود. وقتی که ضرورت این قوانین و نهادها توسط اقتصاد دانان با نفوذ و یا مرتبط با دولت ها، برنامه ریزان، دست اندرکاران، نخبگان و مشاورین و سیاستگذاران عمداً یا سهواً نادیده گرفته می شود این فرضیه را تقویت می کند که به رغم آنها، چنین نهادهایی همواره برقرار و بصورت مطلوب فعالند.

وقتی که سیستم قضایی ناکارآمد باشد چارچوب ضعیف قضایی موجب می شود که عده کمتری از مردم در فعالیت های اقتصادی و بازاری مشارکت نمایند. تنها کسانی که با اعضاء دولت و مقامات سیاسی وابستگی داشته و یا مرتبط باشند وارد بازار می شوند و به منابع بیشتری دسترسی پیدا می کنند و می توانند از تضمین های لازم حقوقی برخوردار گردند، تضمینی که می بایستی از طریق نهادهای قضایی مستقل صورت گیرد، اکثر مردم از این تضمین ها برخوردار نمی گردند. لذا احتمال انجام فعالیت های اقتصادی کاهش یافته و در نتیجه آنها از اقتصاد بازاری منتفع نمی شوند. مخصوصاً کسانی که چیزی را برای وثیقه گذاری ندارند، نمی توانند به اعتبارات بانکی دسترسی پیدا کنند و از فعالیت های اقتصادی کنار گذاشته می شوند (مخصوصاً وقتی که بانک ها دولتی باشند) و کشور از پتانسیل های آنها محروم می گردد. یک سیستم قضایی قوی با جلوگیری از فساد و رانت امکان دسترسی همگان را به منابع فراهم می سازد و با تضمین اجرای مفاد قراردادها از نااطمینانی ها می کاهد و به فعالان اقتصادی این اطمینان را می دهد که ثمره کار و تلاش آنها به هدر نمی رود و در نتیجه استفاده بیشتر از مکانیزم بازار را امکان پذیر می نمایند.

اما ضرورت داشتن یک قوه قضائیه مستقل، قوی و کارآمد، محدود به بازار داخلی نمی شود. بلکه با توجه به جهانی شدن اقتصاد و بین المللی شدن فرایندهای تولید، توزیع و مصرف لازم است که سیستم قضایی خود را با قوانین، مقررات و حقوق بین الملل هماهنگ سازد. گسترش تجارت و مالیه بین المللی و رشد روز افزون تجارت الکترونیک، مستلزم یک سیستم حقوقی و قضایی کارآمد است.

امنیت حقوقی و قضایی پیش شرط مبادله است. وجود یک سیستم قضایی قوی و کارآمد، نه تنها انگیزه لازم برای فعالان اقتصادی داخلی جهت مشارکت در اقتصاد داخلی و مبادلات بین المللی را فراهم می کند، بلکه موجب تشویق سرمایه گذاری خارجی به داخل شده و به انتقال تکنولوژی و توسعه همه جانبه کمک می نماید. در نتیجه وجود یک سیستم قضایی کارآمد شرط اساسی و کلیدی توسعه اقتصادی محسوب می شود.

نهاد قضائی نقش اساسی و بنیادی در توسعه بازار، آزادی فعالان اقتصادی، کنترل فساد و رانت و اجرای قوانین شفاف و کارآمد، برقراری امنیت فردی و اجتماعی و احقاق حق و نهایتاً توسعه همه جانبه ایفا می کند. اقتصاد بازاری و آزادی اقتصادی، هنگامی کارکرد موثر دارند که یک سیستم قضائی مستقل و کارآمد وجود داشته باشد، بطوریکه تصمیم ها از نفوذ مسئولین در امان باشد. این مسئله هنگامی عملی می شود که آنها بودجه مستقل داشته و بتوانند با سرعت به پرونده ها رسیدگی و دادرسی نمایند. تفکیک موارد و تخصصی شدن سیستم قضائی همراه با گسترش مکانیزم های حل اختلاف در این رابطه نقش عملی ایفا می کند. اتکاء بر مکانیزم بازار، هنگامی ثمر ثمر است که قبل از آن یک سیستم قضائی قوی برقرار باشد. هر چقدر که کشورها عقب مانده تر باشند، مکانیزم بازار ظالمانه تر عمل می کند. برای اینکه بازار به درستی کار کند نیاز به یک سیستم قضائی قوی و مستقل است تا احقاق حق نماید.

این مسئله هنگامی بیشتر اهمیت پیدا می کند که به این مسئله توجه شود که استفاده از مکانیزم بازار بدون هزینه نیست. این تصور که استفاده از بازار بدون هزینه است با واقعیت امروزی جامعه سازگاری ندارد. در حالیکه امروزه کاملاً مشخص است که در عمل استفاده از بازار، هزینه های آشکاری در بر دارد. سنگ بنای هزینه مبادله، است. شکل گیری انحصارات، مسئله کالاهای عمومی و اثرات عوامل خارجی، اطلاعات نا متقارن، محدودیت عقلانیت، نا اطمینانی و غیره در دنیای واقعی کار کرد مکانیزم بازار را به افسانه ای تبدیل می کند و هزینه مبادله افزایش می یابد.

بدین ترتیب کار کردن از طریق بازار مشمول هزینه اطلاعات و هزینه اجرای قراردادها است که هر دو، مواردی از هزینه مبادله هستند. در کشورهای توسعه نیافته به دلیل ضعیف بودن نهادهای حقوقی و قضایی، حقوق فعالان اقتصادی بدرستی تامین نمی گردد و این مسئله موجب بالا رفتن هزینه مبادله و محدود شدن مکانیزم بازار می شود، بازار گسترش نمی یابد و در نتیجه میزان تخصصی شدن کم می شود.

بازارهای انحصاری و الیگوپولیستی زیاد شده و متداول می گردد. افراد امکانات و انگیزه کمتری به انجام قرار دادهای سودآور پیدا می کنند و ریسک گریز می شوند و نمی توانند قراردادهای پیچیده را منعقد نمایند و لذا مجبور به انعقاد قرار دادهای پرهزینه و روش های پرهزینه هماهنگی و سازماندهی فعالیت های اقتصادی می شوند. در چنین شرایطی بازار قادر به فراهم کردن انگیزه های مناسب برای رقابت و نوآفرینی نمی باشد. هر چقدر که حقوق افراد و بنگاه ها بهتر تامین می شود و مورد حمایت قرار گیرد، انگیزه مشارکت در فعالیت های بازاری بیشتر می گردد و هزینه مبادله نیز کمتر می گردد.

بنابراین نهادهای قضایی در تعیین میزان مبادله و هزینه آن نقش مهمی